

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۲/۱۲

نقد و بررسی آیات استدلال شده بر عدالت تمام صحابه (۱۰) - بغض، سب و لعن امیرالمؤمنین توسط صحابه!
(۵)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة
على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله
مباحث ما پیرامون روایت «ابن تیمیه» در مورد امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بود؛ او در این روایت سه
مطلب را در مورد صحابه بیان کرده و می نویسد:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونه»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند، ایشان را سب می کردند و با علی بن ابی طالب
قتال می کردند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني، دار النشر: مؤسسة قرطبة -

۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۳۷

و نیز دارد که:

«أن الذين قاتلوه ولعنوه و ذموه هم أعلم و أدين من الذين يتولونه»

کسانی که علی را لعن و مذمت می کردند، متدین تر از کسانی هستند که ولایت علی را دارند!!

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۵، ص ۱۰

و همچنین دارد که:

«و قد علم قدح كثير من الصحابة في علي»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۴۷

ما در این زمینه دوازده سؤال طرح کردیم که البته شاید سؤالات بیش از این مقدار باشد. ما بخشی از سؤالات را قبلاً گفتیم، اما خواستیم این مطالب دسته بندی شود.

به قول حاج آقای سبحانی که همیشه سر درس می فرمودند: استاد خوب یا طلبه موفق کسی است که سرانگشتی حرف بزند. فله ای حرف نزند. وقتی منبر هم می خواهد برود، سرانگشتی حرف بزند و بگوید مثلاً مردم! من امشب می خواهم پنج مطلب را برای شما بیان کنم. یک، دو و همینطور تا آخر بیان کند و در آخر هم دسته بندی مطالب خودش را به صورت خلاصه به مردم بیان می کند. اینگو نه سخن گفتن دقیق در ذهن مخاطب می ماند.

خود حاج آقای سبحانی همیشه مقید به دسته بندی مطالب بودند. ما سال ۱۳۶۱ یا ۱۳۶۲ یک دوره بحث اصول ایشان شرکت کردیم. البته ما چند دوره اصول شرکت کردیم؛ یک دوره اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردیم که اصولشان حدود ۲۷ سال طول کشید. درس آقایان دیگر هم رفتیم.

ولی الحق و الانصاف درس اصول آیت الله سبحانی که شرکت کردیم دیدیم ایشان هم تسلط خوبی به مباحث اصولی دارند و هم مطالب را دسته بندی شده تحویل می دهند. یعنی زمانی که از جلسات اصول آیت الله

سبحانی بیرون می‌آییم، کاملاً روشن می‌شود که ایشان امروز چند مطلب بیان کردند. خداوند ایشان را حفظ کند، زیرا ایشان از مفاخر جهان تشیع و اسلام هستند.

در هر صورت...

دوازده سؤال مهم، از یک جمله ابن تیمیه!!

ما از سه مطلبی که ابن تیمیه درباره امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیان کرده بود؛ ۱۲ سؤال طرح کردیم؛

سؤال اول: «ما هو رأى ابن تیمیه فی سب الخلفاء الراشدين»؟ در این زمینه اشاره شد که «ابن تیمیه» می‌گوید:

«و أفتى بعض الشافعية أنّ من سب أبابكر أو عمر أو عثمان أو عليا فهو كافر»

الإستغاثة في الرد على البكري، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیه الحراني أبو العباس، دار

النشر: دار الوطن - الرياض - ۱۴۱۷، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبدالله بن محمد السهلي؛ ج ۲، ص ۶۰۰

گرچه او این مطلب را به نقل از فقهای شافعی نقل می‌کند، اما در نهایت می‌گوید: من این مطالب را نقل کردم تا قضیه برای همه روشن شود. در حقیقت او تأیید ضمنی از فتوای فقهای شافعی دارد.

سؤال دوم: «ما هو حکم سب علی بن أبي طالب فی الإسلام أو فی السنة»؟ در روایات متعدد با سند صحیح وجود دارد که:

«رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي»

رسول اکرم می‌فرماید: هرکسی علی را سب کند، من را سب کرده است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ٦، ص ٣٢٣، ح ٢٦٧٩١

سؤال سوم و چهارم:

بر اساس این روایت، در اینجا سؤال دیگری می‌توانیم مطرح کنیم که:

«ما هو حکم سبّ النبی فی السنة»؟

و یا می‌توانیم پرسیم:

«ما هو حکم سبّ الله تعالی»؟

چرا که در روایت داریم که:

«رسول الله يقول من سب عليا فقد سبني ومن سبني فقد سب الله تعالی»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية – بيروت – ١٤١١ هـ – ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص

١٣٠، ح ٤٦١٦

سؤال پنجم: فرض کنیم که اصلاً امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) جزو خلفای راشدین نبودند، آیا اصلاً صحابی

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودند یا نه؟! لذا می‌پرسیم:

«ما هو حکم سبّ الصحابة فی السنة»؟

آقایان به ما جواب بدهند که اگر کسی به صحابه ناسزا بگوید، حکمش چیست؟ این سؤال خیلی واضح و روشن

است.

سؤال ششم: «ما هو حكم من سبّ الأموات»؟

ما می پرسیم اصلاً حکم ناسزا گفتن به اموات چیست؟ شما ببینید بعد از شهادت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، عده ای افراد که همین «ابن تیمیه» از اتباع و یادگاران آنها هست، بر بالای منابر حضرت را سبّ می کردند!!

در روایات داریم که پیغمبر اکرم فرمودند: سب کافر هم حرام است؛ «لا تسبوا الکفار» یا: «لا تسبوا المشرکین». علت فرمایش رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) این است که سب اموات، موجب ناراحتی و رنجش خاطر بازماندگان او خواهد شد.

حتی روایت داریم که روزی «ابوبکر» از کنار قبر یکی از مشرکین می گذشت، شروع کرد به توهین و لعن کردن به صاحب قبر! پسر صاحب قبر هم بلافاصله «ابو قحافه» را لعنت کرد. این روایتی است که خود آقایان نقل کرده اند!

نکته ای که برای بنده بسیار دردآور است، این است که کتب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل می کنند:

«قال النبي لا تُسبُّوا الأموات»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۱، ص

۴۷۰، ح ۱۳۲۹

بنده دیروز بعدازظهر در منابع جستجو می کردم تا مشاهده کنم غیر از این روایت، روایت دیگری در رابطه با سب اموات وجود دارد، یا خیر. در این زمینه روایتی در رابطه با سب کفار و مشرکین پیدا کردم، سپس دیدم در

کتب متعددی، علت عدم سب اموات اینگونه وارد شده است که بعد از شهادت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) «مغیره بن شعبه» در یک مجلسی شروع کرد به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ناسزا گفتن.

در آن مجلس یکی از صحابه، که ظاهراً «زید بن أرقم» بود، بلند شد و گفت: مغیره! چرا به علی بن ابی طالب ناسزا می‌گویی؟ مگر رسول گرامی اسلام نفرمودند:

«لَا تَسُبُّوا الْأَمْوَاتَ»

من دیدم که در بعضی از کتب، اسم شخصی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب می‌کرد وارد نشده است و تنها به نوشتن عبارت «رجلٌ سب علیاً» اکتفا کرده است. یا این عبارت را با صیغه مجهول آورده‌اند تا به «مغیره بن شعبه» اهانتی صورت نگیرد! حالا من مفصل این داستان را بعداً عرض خواهم کرد. لذا سؤال می‌کنیم که:

سؤال هفتم:

«ما هو حکم من سب علیا بعد ما مضی»؟

در ادامه «ابن تیمیه» نقل کرده بود که بسیاری از صحابه بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را در دل داشتند؛ ما سؤال می‌کنیم که:

سؤال هشتم: «ما هو حکم بغض علی فی الإسلام»؟

همچنین «ابن تیمیه» می‌گفت که بسیاری از صحابه و تابعین با علی سر جنگ داشتند و با او مقاتله می‌کردند: «یقاتلونه»؛ سؤال ما این است که:

سؤال نهم: «ما هو حکم مقاتلة علی فی السنة»؟

سؤال دهم ما بر این اساس است که «ابن تیمیه» نقل کرده بود که:

«أن الذين قاتلوه ولعنوه وذموه هم أعلم وأدين من الذين يتولونه»

كسانی که علی را لعن و مذمت می‌کردند، متدین‌تر از کسانی هستند که ولایت علی را دارند!!

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٥، ص ١٠

سؤال دهم: «ما هو حكم لعن علي في السنة»؟ كلاً حكم لعن امير المؤمنين (سلام الله عليه) چیست؟

ما در این زمینه سؤال دیگری طرح کردیم؛ بر فرض امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) یکی از خلفای راشدین نیست، آیا صحابه هست یا نه؟! در سنت پیغمبر، طبق نقل صحیح بخاری و صحیح مسلم و دیگر صحاح؛ حکم کسی که صحابه را لعن کند چیست؟ حداقل این است که امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) صحابه پیغمبر بوده است!!

در اینجا سؤال دیگری مطرح می‌شود:

سؤال یازدهم: «ما هو حكم من لعن مسلماً». بر فرض امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) صحابی هم نبود، آیا

مسلمان بود یا نبود؟! آیا سب مسلمان شرعاً جایز هست، یا نه؟! چه احکامی در این زمینه وجود دارد؟!

نکته دیگر این است که «ابن تیمیه» معتقد است:

«أن الذين قاتلوه ولعنوه وذموه هم أعلم وأدين من الذين يتولونه ويلعنون عثمان»

كسانی که علی را لعن و مذمت می‌کردند، متدین‌تر از کسانی هستند که ولایت علی را دارند و عثمان را

لعن می‌کنند!!

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٥، ص ١٠

کسانی که علی بن ابی طالب را لعنت می‌کنند، متدین‌تر از کسانی هستند که عثمان را لعنت کرده و او را به قتل رساندند. ما سؤال می‌کنیم:

سؤال دوازدهم: «من هم الذين لعنوا عثمان و شتموه و قتلوه»؛ کسانی که عثمان را لعنت کردند چه کسانی هستند؟! چه کسی بود که گفت:

«اقتلوا نعثلا فقد كفر»

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت،

ج ٣، ص ١٢، باب قول عائشة رضی الله عنها والله لأطلبن بدم عثمان و خروجها

چه کسانی در خانه عثمان آمدند، آنجا را محاصره کردند و گفتند کسی حق ندارد آب در داخل خانه عثمان ببرد؟! اسم چه کسی غیر از «طلحه» به میان آمده است؟! چه کسانی مباشر قتل عثمان بودند؟!

آیا آن کسی که ادعا می‌کند: "من نه ضربه خنجر و شمشیر بر بدن عثمان زدم، چند ضربه به خاطر اسلام و چند ضربه خنجر به خاطر تشفی قلبم"؛ آیا این افراد غیر از صحابه بودند؟! آیا یهودیان، مسیحیان یا خارجی‌ها چنین اقداماتی انجام دادند؟!

همچنین کسانی که جنازه عثمان را سه شبانه روز به مزبله انداختند و حاضر نشدند او را دفن کنند، چه کسانی بودند؟! اگر در اینترنت عبارت «یستم عثمان» را جستجو کنید، خواهید دید که از راویان صحیح بخاری چند نفر هستند! خواهید دید که در طول تاریخ در مورد چه تعداد از روای بخاری در شأنشان وارد شده است که «فلانی کان یستم عثمان»!!

شما اگر شرح حال «تلید» را جستجو کنید، به صراحت خواهید دید که نقل شده است «ان تلید کان یثتم عثمان»!! بعد «مزی» در ذیلش از «یحیی بن معین» نقل می کند:

«کان یثتم عثمان وکل من شتم عثمان أو طلحة أو أحد من أصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم
دجال لا یکتب عنه وعلیه لعنة الله والملائكة والناس أجمعین»

تهذیب الکمال، المؤلف: یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزی، الناشر: مؤسسة الرسالة -
بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۰۰ - ۱۹۸۰، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ج ۴، ص ۳۲۲، شماره ۷۹۸

آقای «ابن تیمیه»! شما می خواستید در جواب «علامه حلی» کاری کنید که جایگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از جایگاه ابوبکر پایین تر بیاید تا مردم خیال کنند که در مقام مقایسه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با ابوبکر، صحابه ابوبکر را دوست داشتند.

«ابن تیمیه» می خواست چنین وانمود کند که هیچ یک از صحابه با ابوبکر جنگ نکرد، کسی به ابوبکر ناسزا نگفت و کسی او را سب و شتم و لعن نکرد؛ اما با علی بن ابی طالب خلاف این رفتار کردند.

ما در جواب «ابن تیمیه» دوازده بلکه چهارده سؤال مطرح کردیم که اتباع «ابن تیمیه» باید به این سؤالات پاسخ بدهند.

ادعای «ابن تیمیه» یا درست است و یا غلط است؛ اگر حرف «ابن تیمیه» نادرست است معلوم می شود که او به صحابه افترا و دروغ بسته است. و قرآن کریم حکم کسانی که به صحابه دروغ می بندند یا کسی که دروغ می گوید را مشخص کرده است و می فرماید:

(إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ)

دروغ را فقط کسانی می سازند که آیه های خدا را باور ندارند.

سوره نحل (۱۶): آیه ۱۰۵

قرآن کریم به صراحت نسبت به کسانی که افترا می‌بندند سلب ایمان کرده است. آیا اتباع «ابن تیمیه» حاضرند به خاطر افترا بر صحابه، ایمان «ابن تیمیه» را از او سلب کنند یا نه؟!

در روایت «نبوی» وارد شده است و اهل سنت هم نقل کرده اند که شیطان به دروغ افرادی که دروغ می‌گویند احتیاج پیدا می‌کند. آیا «ابن تیمیه» جزو کسانی است که نقش استادی شیطان را بازی می‌کند و شیطان به دروغ او احتیاج دارد؟!

اتباع «ابن تیمیه» باید این مطالب را اثبات کنند. اگر این مطالب دروغ است، اتباع «ابن تیمیه» باید تکلیف او را مشخص کنند تا بدانیم او چرا به تعداد زیادی از صحابه و تابعین چنین افترایی بسته است؟!

ولی اگر او حرف درستی زده است و نستجیر بالله روایت:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»

صحت دارد، بنابراین پایه‌های اعتقاد اهل سنت که معتقدند:

«والصحابه كلهم عدول»

همه صحابه عادل هستند.

المجموع، نویسنده: النووی، ج ۱، ص ۶۲، فصل الحديث المرسل

و یا:

«الصحابه كلهم من أهل الجنة قطعاً»

قطعاً تمام صحابه اهل بهشت هستند.

الإصابة في تمييز الصحابة، المؤلف: أحمد بن علي بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢ هـ)، تحقيق:

عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى -

١٤١٥ هـ، ج ١، ص ١٦٣، الفصل الثالث

فرو می‌ریزد و جایی برای عدالت و اهل بهشت بودن صحابه باقی نمی‌ماند!! در این صورت دیگر آیه شریفه:

(وَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ)

و پیشروان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی پیرویشان کردند خدا از آنان راضی است، و ایشان نیز از خدا راضی‌اند.

سوره توبه (٩): آیه ١٠٠

در مورد آنان صدق نمی‌کند و جایی برای استدلال این آقایان به این آیه باقی نمی‌ماند. در این صورت اتباع «ابن تیمیه» به هر جایی بروند، در معرض اتهام قرار خواهند گرفت.

این افراد یا باید «ابن تیمیه» را محاکمه کنند که حاضر نیستند این کار را بکنند و یا اینکه دست از عدالت صحابه بردارند و آن‌ها را عادل ندانند؛ اما راضی به هیچ کدام از این راه‌ها نیستند.

مشاهده کردم که نکته بسیار زیبایی است. در کتاب «تفسیر نمونه» جلد ٧ صفحه ٢٦٣ نکته بسیار زیبایی وارد شده است:

"مبالغه و اغراق در تنزیه صحابه

جمعی از برادران اهل سنت از احترام و اهمیتی که قرآن برای «مهاجران اولین» قائل شده، خواسته‌اند چنین استفاده کنند که آن‌ها تا پایان عمر مرتکب هیچگونه خلافی نشدند، و باید بدون چون و چرا، همه را بدون استثنا محترم بشماریم.

سپس این موضوع را به همه صحابه به خاطر تمجیدی که قرآن از آنها در جریان بیعت رضوان و غیر آن کرده تعمیم داده‌اند، و عملاً صحابه را بدون در نظر گرفتن اعمالشان، انسان‌های استثنایی شمرده و اجازه هر گونه نقد و بررسی در کارهایشان را از خود سلب کرده‌اند."

سپس می‌نویسند:

"از جمله مفسر معروف نویسنده «المنار» ذیل آیات مورد بحث حمله شدیدی به شیعه کرده که چرا آنها روی بعضی از مهاجران اولین انگشت می‌گذارند و انتقاد می‌کنند؟! در حالی که توجه ندارند اینگونه اعتقاد در باره صحابه چه تضادی با روح اسلام و تاریخ آن دارد؟!"

نکته بسیار زیبایی است. بنده باور نمی‌کردم که آیت الله العظمی مکارم شیرازی نسبت به صحابه فرمایشی این چنین تند داشته باشد.

در حال حاضر آقایان کتاب‌های ما را مطالعه می‌کنند و جاهایی که می‌بینند نقطه ضعفی وجود دارد، سریع در سطح گسترده و در فضای مجازی منتشر می‌کنند. ایشان در ادامه می‌نویسند:

"شک نیست که «صحابه» مخصوصاً مهاجران نخستین احترام خاصی دارند، ولی این احترام تا آن زمانی بوده است که در مسیر صحیح گام بر می‌داشتند و فداکاری به خرج می‌دادند اما از آن روز که گروهی از صحابه از مسیر واقعی اسلام منحرف شدند مسلماً قضاوت قرآن درباره آنها چیز دیگری خواهد بود."

در ادامه می‌نویسند:

"فی المثل ما چگونه می‌توانیم «طلحه» و «زبیر» را در برابر شکستن بیعت و مخالفت با پیشوایی که گذشته از تصریح پیامبر (صلي الله عليه و آله) از طرف عموم مسلمانان و حتی خودشان انتخاب شده بود، تبرئه کنیم؟

ما چگونه می‌توانیم دامن آن‌ها را از خون هفده هزار مسلمان که در میدان جنگ جمل به خاک ریخته شد بشوئیم؟ کسی که خون یک نفر بیگناه را به زمین بریزد هیچ عذری در پیشگاه خدا نخواهد داشت، هر کس که باشد، تا چه رسد به این عده زیاد.

اصولاً مگر می‌توان هم «علی و و یارانش» را در میدان جنگ جمل بر حق دانست و هم «طلحه و زبیر» و بعضی دیگر از صحابه را که به آن‌ها پیوسته بودند؟ آیا هیچ منطق و عقلی این تضاد روشن را می‌پذیرد؟

آیا می‌توانیم با عنوان «تنزیه صحابه» چشم روی هم بگذاریم و آن‌ها را «تافته جدا بافته» بدانیم و سراسر تاریخ اسلام را بعد از پیامبر بدست فراموشی بسپاریم و ضابطه اسلامی (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) را زیر پا بگذاریم؟! این چه قضاوت غیر منطقی است؟

اصولاً چه مانعی دارد که شخص یا اشخاصی یک روز در صف بهشتیان و طرفداران حق باشند و روز دیگری در صف دوزخیان و دشمنان حق قرار گیرند؟"

مشاهده کنید که آیت الله العظمی مکارم شیرازی تیر خلاصی به تمام مقدسات اهل سنت زده است.

زمانی که مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) در ماجرای فتنه ۸۸ جمله‌ای گفتند و کسانی که ایجاد فتنه کردند را به «طلحه» و «زبیر» تشبیه کردند، سروصدایی در داخل و خارج کشور و همچنین رسانه‌ها ایجاد شد که رهبر ایران به «طلحه» و «زبیر» توهین کرد!!

مخالفین ادعا کردند که رهبر ایران «کروبی» و «موسوی» را به «طلحه» و «زبیر» تشبیه کرده است و با این بهانه قیامتی به پا کردند. آن‌ها در نماز جمعه‌های داخل کشور سروصداهای زیادی ایجاد کردند. تعابیر وقیحی هم داشتند که آیه الله خمینی خاك زیر پای طلحه و زبیر هم نخواهند شد با آن همه مقامي که داشتند!

مشاهده کنید که آیت الله العظمی مکارم شیرازی به صراحت می‌گویند:

"اصولاً چه مانعی دارد که شخص یا اشخاصی یک روز در صف بهشتیان و طرفداران حق باشند و روز دیگری در صف دوزخیان و دشمنان حق قرار گیرند؟ مگر همه کس معصوم‌اند؟ مگر این همه دگرگونی در حالات اشخاص با چشم خود ندیده‌ایم؟

داستان «اصحاب رده» یعنی مرتد شدن جمعی از مسلمانان بعد از رحلت پیغمبر را همه اعم از شیعه و اهل سنت در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند که خلیفه اول به جنگ با آن‌ها برخاست و آن‌ها را بر سر جای خود نشانند. آیا هیچیک از «اصحاب رده» پیامبر (ص) را ندیده و در صف صحابه نبودند؟!

شگفت‌انگیزتر اینکه برای نجات از این تضاد و بن بست عجیب بعضی موضوع «اجتهاد» را دستاویز قرار داده و می‌گویند:

افرادی مانند «طلحه» و «زبیر» و «معاویه»! و همکاران آن‌ها مجتهد بودند و اشتباه کردند، اما گناهی از آن‌ها سر نزد بلکه اجر و پاداش در برابر همین اعمالشان از خداوند خواهند گرفت!!

راستی چه منطق رسوایی است؟ مگر قیام بر ضد جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و شکستن پیمان، و ریختن خون هزاران بی‌گناه آنهم بخاطر جاه طلبی و رسیدن به مال و مقام، موضوع پیچیده و نامعلومی است که کسی از زشتی آن با خبر نباشد؟

آیا ریختن آن همه خون بی گناهان در پیشگاه خداوند اجر و پاداش دارد؟! اگر ما این چنین بخواهیم گروهی از صحابه را که مرتکب جنایاتی شدند تبرئه کنیم بطور مسلم هیچ گنهکاری در دنیا وجود نخواهد داشت و با این منطق همه قاتلان و جانیان و جباران را تبرئه خواهیم کرد.

اینگونه دفاع‌های بی رویه از صحابه سبب بدبینی به اصل اسلام خواهد شد. بنابراین چاره ای جز این نداریم که برای همه مخصوصاً صحابه پیامبر احترام قائل شویم ولی تا آن روز که از مسیر حق و عدالت و برنامه‌های اسلام منحرف نشده باشند!!"

الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل (تفسیر نمونه)، نویسنده: الشیخ ناصر مکارم الشیرازی، ج ۷، ص

۲۶۳ - ۲۶۵

مطالب ایشان کاملاً واضح و روشن است و ملاک هم برای ما اسلام است. برای ما «طلحه» و «زبیر» یا «سلمان» و «ابوذر» هیچ فرقی نمی‌کند.

من عبارت سایر مفسرین را ندیدم، اما دوستان می‌توانند نظر علمای دیگری از جمله «علامه طباطبایی» را در این زمینه مشاهده کنند. همچنین می‌توانند نظر سایر مفسرین را ذیل آیه شریفه (و السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ) مشاهده کنند.

آنچه مهم است این است که مراجع معاصر ما که منادی وحدت هستند و اهانت به مقدسات اهل سنت را گناه می‌شمارند، تبیین حقایق را وظیفه می‌دانند! آیت الله العظمی سیستانی بارها فرمودند:

«لا تقولوا إخواننا أهل السنة، بل قولوا أنفسنا أهل السنة»

بنده در سفر قبل از محرم خدمت آیت الله العظمی سیستانی بودم و خودشان به من گفتند: بسیاری از مواقع شیعیان نزد ما می‌آیند و من به آن‌ها می‌گویم؛

«لا تقولوا إخواننا أهل السنة، بل قولوا أنفسنا أهل السنة»

ایشان به خود من فرمودند: "در «شبهه ولایت» از مظلومیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) زیاد سخن بگویند و قضایای جنگ و جنگ صفین را برای مردم بیان کنید."

عزیزان دقت کنید که اهانت و ناسزا به مقدسات اهل سنت بحث دیگری است. درست نیست که ما نستجیر بالله به «عایشه» نسبت‌های ناروا بدهیم یا به «ابوبکر» و «عمر» و «عثمان» ناسزا بگوییم.

گاهی اوقات افرادی برای تشفی غیظ قلبی خود این مطالب را به می‌گویند که قطعاً این اقدامات نادرست است و اثر معکوس دارد، اما بیان نکردن حقایق تاریخ اسلام هم گناه بزرگی است!!

نسل امروز شیعه و اهل سنت باید از حقایق تاریخی و اتفاقات تلخی که در صدر اسلام افتاده - آن هم به دست کسانی که افتخار هم صحبتی با پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را داشتند - آگاه شوند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته